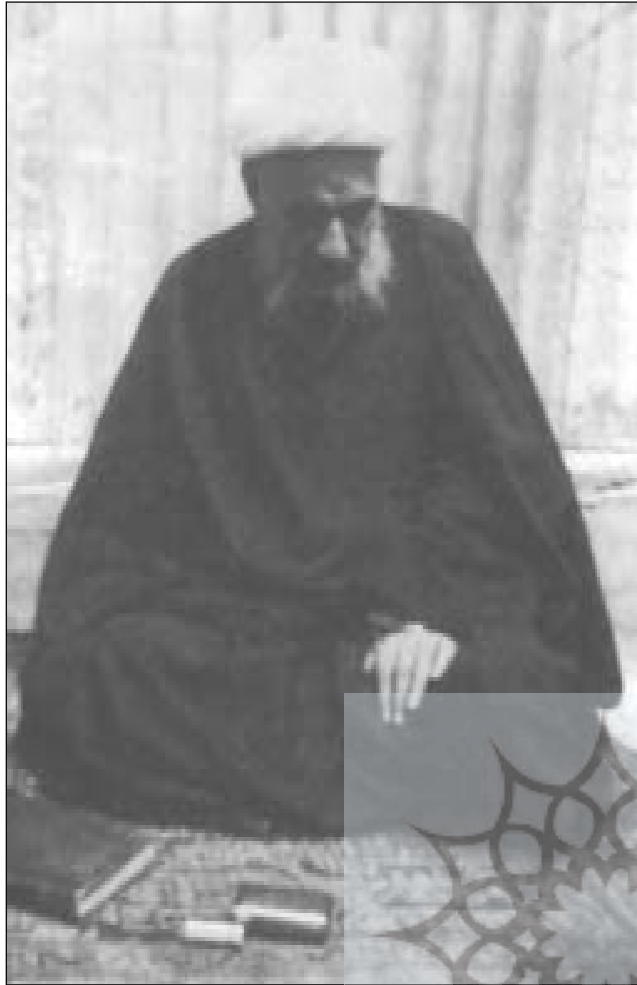


# آیت الله میرزا محمد باقر زنجانی

ناصرالدین انصاری قمی  
محقق حوزه علمیه قم

شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اشاره  
شهر مقدس نجف اشرف، از گاه بنیاد حوزه علمیه آن به دست توانای شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن بن علی طوسی - قدس سره القدوسی - در سال ۴۴۸ هـ. ق تاکنون، شاهد زندگی هزاران نفر از عالمان، دانشمندان، فقیهان، محدثان، مفسران، شاعران، ادبا و خطبا در آن بوده است. از این رو، گردآوری نام همه آنان، کاری است لازم و حتمی؛ زیرا نجف، تاریخ تشیع و پرچم پرافتخار و همواره در اهتزاز شیعه است. یکی از اعلام حوزه علمیه نجف در قرن چهاردهم هجری، آیت الله العظمی میرزا محمدباقر زنجانی است؛ که کمتر در شرح زندگی آن فقیه فرزانه گفته شده است. اینک در آستانه سی امین سال وفات آن بزرگمرد علم و ایمان، با استفاده از مقاله ای که شاگرد فرزانه اش، فقیه هنرمند والاقدر آیت الله سیدمرتضی نجومی، در شرح حال معظم له نگاشته است، این نوشتار تقدیم می شود. امید آنکه، قبول افتد و در نظر آید.



آیت الله میرزا محمد باقر زنجانی

نویسنده اللباس المشكوك

۴. آقا شیخ اسماعیل غروی محلاتی (د. ۱۳۴۳ ه. ق.)،

صاحب انوار العلم والمعرفة

او در این میان، به استاد اکبر، وحید دهر و فرید عصر، آیت الله میرزای نائینی، اختصاص تام پیدا کرد و بیش از ۱۴ سال، در درسهای فقه و اصول معظم له شرکت کرد و از اعظم شاگردان و محققان اصحاب خاص آن مرحوم به شمار آمد؛ به گونه ای که شیخ آقا بزرگ تهرانی، شاگردی کسی مانند میرزا را - همراه با آیات عظام: خوئی، شیخ حسین حلی و میرزا حسن بجنوردی - شاهی برای عظمت آیت الله نائینی می نویسد [نجومی، کیمیای هستی، ۸۴؛ فتاوی، المنتخب، ۶۶؛ تهرانی، نباء البشر، ج ۲، ۱۵۹۵].

وی در سال ۱۳۵۳ ه. ق، به دریافت اجازه اجتهاد و روایت از استاد بزرگوارش نایل آمد.

تدریس

آیت الله زنجانی دوره های متعدد فقه، اصول و قواعد فقهیه را تدریس نمود. او تا پایان زندگی اش، به افاده و افاضه مشغول بود، و به شاگردانش بسیار علاقه داشت. او از اینکه می دید طلبه ای با کمال عشق و علاقه و محققانه درس می خواند

## ولادت

آیت الله میرزامحمد باقر زنجانی، ملقب به جمال الدین [نجومی، کیمیای هستی، ۸۳]، فرزند محمد مهدی، فرزند میرزا احمد، در صبحگاه یکی از شریفترین روزهای سال - روز قدر، ۲۳ رمضان المبارک ۱۳۱۲ ه. ق در زنجان زاده شد [تهرانی، نباء البشر، ج ۱، ۲۲۶]. پدرش که از تجار محترم، بسیار علاقه مند و دوستدار علما، و مردی بافضیلت بود، فرزندش را به تحصیل علوم دینی تشویق کرد. اشتیاق پدر، رغبت کامل فرزند و توفیقات الهی گرد آمد تا میرزا با جدیت تمام، به تحصیل پرداخت [نجومی، کیمیای هستی، ۸۳].

## تحصیلات

ایشان نخست خواندن، نوشتن، و قرائت قرآن و کتب مقدماتی را در مکتب آموخت. سپس، در حوزه علمیه زنجان نزد استادان وقت، به تحصیل ادبیات و سطوح پرداخت. نخستین استادش در فنون ادب و ادبیات عرب، برادر گرانقدرش، خطیب توانا و شاعر والا مرحوم شیخ محمدحسن زنجانی متخلص به سعید (د. بعد ۱۳۵۳ ه. ق)، بود. پس از آن، مراتب علمی اش را نزد استادان بزرگ حوزه زنجان فراگرفت. آنان عبارتند از:

۱. علامه فقیه میرزا عبدالرحیم طارمی زنجانی
  ۲. آیت الله شیخ عبدالکریم خوئینی زنجانی (د. ۱۳۷۱ ه. ق)، صاحب خودآموز کفایه
  ۳. علامه ریاضی هیوی منجم میرزا ابراهیم زنجانی (د. ۱۳۵۱ ه. ق)، صاحب الرد علی البایة
  ۴. حجت الاسلام حاج سیدحسن قنادزاده
  ۵. حاج شیخ زین العابدین زنجانی
- میرزا محمدباقر در عنفوان جوانی و پیش از تشریف به نجف، از مدرسان جوان و بنام زنجان بود، و شاید رسائل را هم تدریس می کرد [نجومی، کیمیای هستی، ۸۳].

## به سوی نجف

میرزامحمد باقر زنجانی پس از درگذشت پدرش، به قصد زیارت اعتبار مقدسه و بهره وری از درس استادان و بزرگان حوزه نجف، در ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۸ ه. ق به سوی نجف اشرف مهاجرت کرد. وی پس از زیارت و عتبه بوسی مولی الموالی حضرت امیرالمؤمنین (ع)، برای استفاده از درس آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی به کربلا رفت و تا زمان وفات ایشان، از درس فقهش بهره برد. سپس، به نجف بازگشت و در درسهای فرزاتگان علم و دانش حاضر شد.

## استادان

استادان آن بزرگمرد علم و فقاها در حوزه نجف، عبارتند از آیات عظام:

۱. آقا سیدابوالحسن موسوی اصفهانی (د. ۱۳۶۵ ه. ق)، نویسنده وسیلة النجاة
۲. آقاضیاء الدین عراقی (د. ۱۳۶۱ ه. ق)، نویسنده مقالات الاصول
۳. میرزا محمدحسین غروی نائینی (د. ۱۳۵۵ ه. ق)،



اجازه نامه آیت الله محمد باقر زنجانی به استاد سید مرتضی نجومی

و به وظیفه اش عمل می کند، خوشحال می شد. و لذا، فقط در محضر درسش، حدود چهل نفر از طلاب محصل و برگزیده خوب حوزه شرکت می کردند؛ تو گویی که آنان را دانه دانه برای میرزا انتخاب کرده اند. شاید وجود این نوع محصلان، سبب شده بود تا طلبه ای که اهل درس، بحث، تحقیق و تتبع نبود، نتواند در درس ایشان جلوه ای کند. این عشق و علاقه، دو طرفه بود، و شاگردانش هم به او عشق می ورزیدند. آیت الله سیدمرتضی نجومی می نویسد: «اکنون که این کلمات را می نویسم، حالت عجیبی دارم. نمی دانم چطور آن علاقه و عشق و سوزی را که نسبت به میرزا درمی یابم، بیان کنم. بعد از گذشت ۲۶ سال از وفات ایشان، گویی دلم برای او پر می زند. عجیبی نیست، همین حالت را من در حال حیاتش نسبت به او داشتم. قابل نیستم عرض کنم که این محبت و عشق و علاقه دوطرفه بود. ایشان هم بارها در غیبت بنده به همین نحو، نسبت به من اظهار لطف و بزرگواری فرموده بود. با کمال خجالت، لطفی کریمانه از آن مرحوم نقل می نمایم: روزی به بنده فرمود: شما چه وقتها منزل هستید؟

عرض کردم: فرمایشی دارید؟

فرمود: کار مختصری دارم و میل دارم در منزل خدمت شما

برسم.

گفتم: هر وقت مایل باشید، بنده خدمتگذار شما هستم.

فرمود: عصر پنجشنبه به خدمت می رسم.

تشریف آورد و بیست دقیقه ای یا کمتر نشست، و پس از صرف چای برخاست و پاکتی را روی تشکی که نشسته بود، گذارد. خجالت کشیدم بگویم: آقای میرزا پاکت را جا گذاشتید. چون دیدم آن را با التفاتی خاص به روی تشک گذاردند. تا در منزل، به مشایعت ایشان رفتم و سپس به اتاق بازگشتم. پاکت را گشودم، دیدم آخرین لطف و محبتی را که می توانست و در قدرت داشت، در حق بنده ابراز داشته و اجازه<sup>۹</sup> اجتهاد مفصلی نوشته و در پاکت نهاده و به نفس نفیس گرامی اش تا منزل ما آورده بود. یک وقتی شبیه چنین عملی را هم، از میرزای نائینی درباره خودشان نقل می فرمود [نجومی، کیمیای هستی، ۸۶].

### شاگردان

آن فقیه فرزانه، تمام عمرش را به تدریس و تألیف گذرانید، و از این رهگذر موفق شد تا شاگردان بسیار - که اینک اغلب آنها از علمای بزرگ شهرها به شمار می روند - پرورش دهد. برخی از آنان عبارتند از حضرات آیات:

۱. سیدمرتضی نجومی کرمانشاهی

۲. شیخ حسین وحید خراسانی

۳. میرزا جواد تبریزی

۴. شیخ محمدابراهیم جناتی شاهرودی

۵. شیخ محمد علی موحدی کرمانی

۶. شیخ ضیاءالدین جوادی ابهری، داماد معظم له

۷. سیدمرتضی مہری، داماد معظم له

۸. شیخ محمود زنجانی، فرزند معظم له

۹. شیخ محمد رشتی

۱۰. شیخ ابوالحسن ایازی بابلی (د. ۱۴۲۳ ه. ق)

۱۱. سیدحبیب الله طاهری گرگانی

۱۲. سیدمحمد نوری نجفی

۱۳. سیدمحمد شاهرودی

۱۴. سیدعباس مدرس رضوی یزدی

۱۵. سید ابوالحسن رضوی

۱۶. شیخ احمد رضوانی زنجانی، داماد معظم له (د. ۱۴۲۰ ه. ق)

۱۷. شیخ علی آل اسحق خوئینی زنجانی، داماد معظم له

(د. ۱۴۲۲ ه. ق)

۱۸. شیخ جعفر غروی نائینی  
۱۹. شیخ حسین راستی کاشانی  
۲۰. شیخ ابراهیم انصاری زنجانی  
۲۱. شیخ محمدصادق سعیدی کاشمیری  
۲۲. شیخ ابوالفضل نجفی خوانساری (د. ۱۴۲۲ ه. ق)  
۲۳. شیخ اخضر عباس پاکستانی  
۲۴. سیدمحمد صادق حکیم (۱۳۳۴ - ۱۴۰۲ ه. ق)  
۲۵. سیدمصطفی خمینی (۱۳۴۷ - ۱۳۹۷ ه. ق)، نویسنده تفسیرالقرآن الکریم  
۲۶. سیدمحمد علی قاضی طباطبائی تبریزی (۱۳۳۳ - ۱۳۹۹ ه. ق)، نویسنده تحقیق درباره اربعین سیدالشهداء  
۲۷. سیدمحمد علی موسوی حمّامی (۱۳۴۰ - ۱۴۱۹ ه. ق)، نویسنده هداية العقول فی شرح کفایة الاصول  
۲۸. شیخ نورالدین واعظی سبزواری کاظمی (۱۳۵۲ - ۱۳۹۱ ه. ق)، نویسنده تقریرات بحث فروع علم اجمالی  
۲۹. سید احمد حسینی اشکوری (۱۳۲۵ - ۱۳۸۰ ه. ق)، نویسنده شرح کفایة الاصول  
۳۰. سید حسین طباطبائی یزدی (۱۳۳۲ - ۱۳۸۶ ه. ق)، نویسنده تفسیر آیات الاحکام  
۳۱. شیخ محمد اسحاق فیاض  
۳۲. شیخ قربانعلی محقق کابلی، نویسنده تقریرات بحث مکاسب از درس استاد  
۳۳. شیخ محمدتقی جواهری  
۳۴. سیدابراهیم موسوی زنجانی (۱۳۴۴ - ۱۴۲۰ ه. ق)
- نویسنده تقریرات بحث «عدالت»  
۳۵. سیداحمد فهری زنجانی، نویسنده سالار شهیدان  
۳۶. سیدحسین بحرالعلوم (۱۳۴۸ - ۱۴۲۲ ه. ق)، نویسنده الجهاد فی الاسلام
- تالیفات  
از آن فقیه بزرگ، کتابهای فراوان در علوم گوناگون برجای ماند، که همه آنها مخطوط بوده و تاکنون به چاپ نرسیده است. آنها عبارتند از [نجومی، کیمیای هستی، ۸۴-۸۵؛ فتاوی، المنتخب، ۶۶-۶۷]:
۱. تقریرات بحث اصول میرزای نائینی [تهرانی، الذریعة، ج ۴، ۳۷۱]  
۲. تقریرات درس فقه میرزای نائینی  
۳. حاشیه بر رساله لباس مشکوک نائینی  
۴. حاشیه بر فرائد الاصول [تهرانی، الذریعة، ج ۶، ۱۵۴]  
۵. حاشیه بر کفایة الاصول [تهرانی، الذریعة، ج ۶، ۱۸۷]  
۶. حاشیه بر مکاسب (از اول بیع تا آخر خیارات) [تهرانی، الذریعة، ج ۶، ۲۱۷]  
۷. حاشیه بر دوره مصباح الفقیه  
۸. حاشیه بر عروة الوثقی  
۹. تنقیح القواعد، در اصول [تهرانی، الذریعة، ج ۴، ۴۶۴]  
۱۰. رساله در فروع علم اجمالی  
۱۱. مکاسب محرّمه  
۱۲. کتاب البیع (تا آخر احکام قبض)  
۱۳. کتاب الطهارة [تهرانی، الذریعة، ج ۴، ۳۷۱]

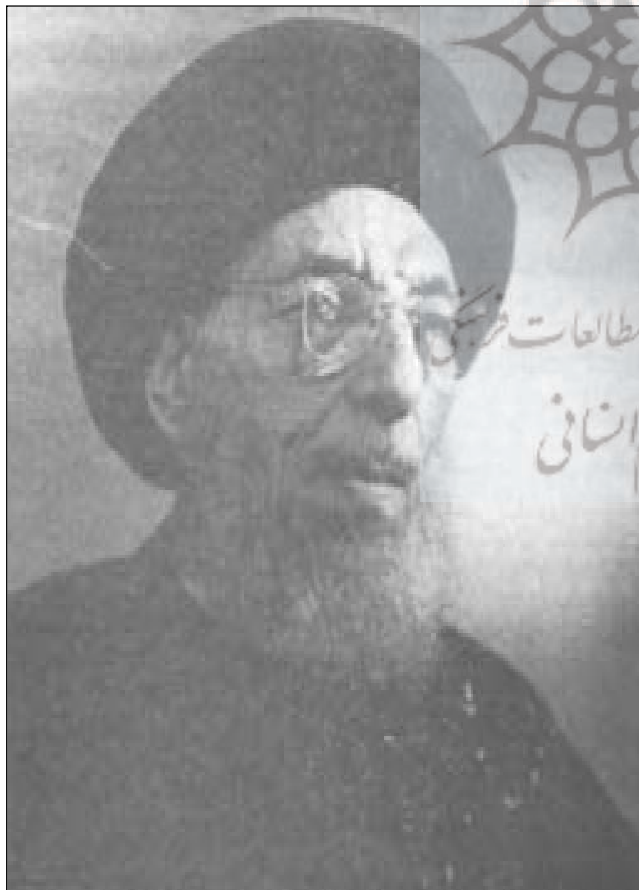


مرحوم آیت الله میرزا محمد باقر زنجانی و آیت الله سید مرتضی نجومی

نداشته باشد. بلکه گهگاه لطفی فرموده و تقریرات شاگردان را هم ملاحظه می فرمودند. بدون اغراق، در اغلب مسائل اصولیه، صاحب نظرات دقیقه و تأسیسیه بودند. به طور مستمر - غیر از آن هنگام که در نجف نبودم - هفده سال به درس خارج فقه و اصول ایشان حاضر شدم و دو دوره و نیم درس خارج اصول ایشان را دیدم و آن را هم نوشتم. ایشان خیلی مایل بودند که آنها به چاپ برسند، ولی چون سلیقه بنده آن است که اگر بخواهم مطلبی را به چاپ برسانم، تمام اطراف مسئله را علماً و تحقیقاً ملاحظه نمایم و هنوز این مجال را پیدا نکرده‌ام، لذا از چاپ آنها خودداری نمودم [نجومی، کیمیای هستی، ۱۸۰].

#### سیره و سیمای استاد

آیت الله نجومی می نویسد: «میرزا، قامتی میانه بالا، استوار و قیافه ای موزون و نورانی و ملکوتی داشت. دارای ذهنی وقاد و در مطالب علمی، دقیق و بسیار بی آزار، باصفا، سلیم النفس، بی هوا، ظریف و شوخ بود. رفیق القلب و سریع التأثر بود و به مجرد شنیدن صدای روضه، اشک در چشمش جولان می زد. علاقه ای عجیب به ائمه اطهار(ع) داشت؛ و بویژه به امیرالمؤمنین(ع). همه آقایان فضایی که نجف اشرف بوده اند، می دانند که ایشان روزهای پنجشنبه، صبحها روضه داشت و به دست مبارکش، چای برای حاضرین - که همه از علمای اعلام و افاضل طلاب بودند - می ریخت. و چه بسیار که بنده در همان مجلس روضه، کنار



آیت الله سید محسن حکیم

۱۴. کتاب الصلاة [تبرانی، الذریعة، ج ۴، ۳۷۱]
۱۵. کتاب خلل، شرح ۶۵ مسئله از مسائل خلل عروۃ الوثقی
۱۶. قاعدة «لاضرر»
۱۷. قاعدة «من ملک»
۱۸. قاعدة «لاتعاد»
۱۹. شرح استدلالی عروۃ الوثقی (مباحث: اجاره، مضاربه، شرکت، حج و نکاح)

۲۰. رساله عملیه (احکام عبادات)

۲۱. رساله در نیت

۲۲. کتابی در حکمت و فلسفه

۲۳. کشکول (۸ جلد) [امینی، معجم رجال الفکر، ج ۲، ۶۴۲؛ الفتاوی، المنتخب، ۶۷]

۲۴. رساله در جواب پرسش از برخی ثوابهای عبادات که به نظر شگفت می آید.

آیت الله سیدمرتضی نجومی رساله فروع علم اجمالی و حدیث لاتعاد را به خط خودشان استنساخ کرده، که نزد ایشان موجود است [نجومی، کیمیای هستی، ۱۸۵].

نیز، تقریرات بحثهای فقهی و اصولی ایشان را گروه بسیاری از شاگردانش مانند: آیت الله نجومی و مرحوم آیت الله حاج شیخ احمد رضوانی زنجانی (بحث: صوم، زکات، خمس، حج، اجاره، مضاربه، شرکت، نکاح، طهارت، مکاسب و بحث کامل اصول)، به صورت کامل نگاشته اند. حاج آقای نجومی می نویسد: «دروس استاد بزرگوار روزگار و محقق عالی قدر، مرحوم آیت الله میرزا محمد باقر زنجانی، را با کمال دقت و نکته به نکته می نوشتم. و به همین جهت در میان شاگردان خودشان هم، علاقه عجیبی به بنده داشتند. تاریخ کتابت تقریرات مباحث عقلیه اصول مرحوم میرزا، بین سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ ق است. و تاریخ مباحث دیگر را که خیلی مفصلتر است، ضبط نموده ام» [نجومی، کیمیای هستی، ۱۵۵ - ۱۵۶].

در جای دیگر آیت الله نجومی می نویسد: «آن کسی را که مواظبت بر حضور درس فقه و اصولش داشتم، مرحوم میرزا بود. دروس اصول را کاملاً می نوشتم. و خیلی از مباحث را هم دو دوره حاضر شدم، و مطالبی را که در دور دوم بهتر ملتفت شده یا لازم به یادآوری جدید می دیدم، در حاشیه تقریرات دور اول نوشته ام. خلاصه آنکه، تألیف و تصنیف ما منحصر بود به نوشتن دروس میرزا و خیلی از نوشته های بنده را هم خود ایشان می دیدند» [نجومی، کیمیای هستی، ۱۵۲].

همو می نویسد: «درس خارج محقق بزرگوار و علامه بی نظیر مجهول القدر مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر زنجانی - اعلی الله مقامه - را به حال خودم انفع دیدم، زیرا خود او مردی بسیار باحال، متقی، فقیهی محقق، اصولی سترگ، مدرسی بزرگ، بچائه ای عالی قدر، و از اکابر تلامیذ مرحوم میرزای نائینی و اعظام اصحاب وی بود. و درسش هم شلوغی درس آیات عظام دیگر را نداشت که شاگرد، مجال بحث و کنکاش با استاد را

ایشان نشسته و چای دست نازنینش را نوشیده‌ام. میرزا، خیلی از طنزهای علمی و شوخی‌های لطیف و مؤدبانه خوشش می‌آمد. و در آن مجلس، چون خیلی صحبت‌های علمی و شیرین می‌شد و غالباً بنده ناچیز حاشیه‌ طنزمانندی می‌زدم، میرزا خیلی خرسند شده و می‌خندید. و لذا، خیلی مایل بود که بنده پیش ایشان بنشینم. اگرچه قابل نیستم عرض کنم، ولی آن مرحوم بی‌اندازه نسبت به بنده علاقه‌مند بودند؛ نه تنها نسبت به بنده، بلکه نسبت به هر طلبه‌ای که می‌دید باصفا و محققانه درس می‌خواند» [نجومی، کیمیای هستی، ۸۵].

### عشق به ساحت مقدس اهل بیت (ع)

آیت‌الله میرزا باقر زنجانی، شیفته اهل بیت عصمت و طهارت بود. در مجالس روضه، اشک از چشمانش سرازیر بود و هر پنجشنبه، خود مجلس روضه برپا می‌کرد. و به دست خویش، برای حاضران چای می‌ریخت. تا هنگامی که می‌توانست حرکتی کند و بیرون بیاید، هیچ شبانه‌روزی زیارت حرم امیرالمؤمنین (ع) ایشان ترک نشد. مرحوم میرزا بی‌اندازه به مولا علی (ع) ارادت و علاقه داشت. در اجازه‌اش به آیت‌الله نجومی، از امیرالمؤمنین (ع)، این‌گونه تعبیر کرد: «مولى الموالى، سیدالموحدين و امام المتقين، امیرالمؤمنین، علی‌اخیه المصطفى و علی‌ه و علی‌آلهما الطیبین الطاهرین صلوات الله الملك الحق المبین». شگفت آنکه، وفاتش هم در ایام شهادت آن حضرت، و دفن پیکرش هم در شب ۲۱ ماه رمضان اتفاق افتاد.

### استنکار ظلم

آیت‌الله زنجانی از دستگاه ظلم و جور پهلوی، شدیداً متنفر و منزجر بود. او می‌فرمود: «رضا شاه، ۱۶ سال شاه بود، و می‌دانستیم. ولی یک لحظه هم بر او عقداالقلب نداشتیم». باز می‌فرمود: «در زمان سلطنت رضاخان و برداشتن عمامه‌ها، میل کردم برای زیارت اقوام و خویشان سفری به زنجان کنم. کنسول ایران در نجف، زنجانی بود و خیلی نسبت به من اظهار ارادت می‌نمود. روزی این مطلب را با او در میان‌گذاردم، گفت: «آقای میرزا! اگر اجازه‌اجتهادی داشته باشید، بنده رونوشت آن را ضمیمه پرونده می‌کنم و گذرنامه با عمامه به شما می‌دهم تا بتوانید براحتی به ایران سفر کنید. من به مدرسه آمدم، اجازه‌اجتهاد میرزای نائینی را برداشتم و به کنسولگری رفتم. کنسول بلند شد و خیلی تواضع کرد و گفت: چند دقیقه‌ای به من مهلت دهید، این چند سطر را بنویسم و بعد خدمت شما هستم. در چند دقیقه که او مشغول کارش بود، ناگهان در قلب من بارقه‌ای الهی افتاد که سزاوار نیست من برای سفری، اجازه و دستخط شریف رئیس اسلام و مسلمین مثل میرزای نائینی را به یک نفر رئیس ریش‌تراش عون‌الظالم بدهم. چند دقیقه‌ای نشستم و سپس بلند شدم، خداحافظی کردم و بیرون آمدم. هرچند اصرار کرد که بفرمایید کار شما را درست کنم، گفتم: چیزی به خاطرم رسید. اگر تصمیم قطعی گرفتم، خدمتتان می‌آیم. بیرون آمدم و دیگر به آنجا بازنگشتم». مرحوم میرزا، پس از تشریف به نجف در سال ۱۳۳۸ هـ.ق تا سال وفاتشان (۱۳۹۴ هـ.ق) هیچگاه به ایران نیامد [نجومی، کیمیای هستی، ۸۷ - ۸۹].

### اعراض از مرجعیت

آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی نقل کرد: «پس از وفات آیت‌الله العظمی حکیم، گروهی بسیار از فضلا و طلاب حوزه نجف، به ایشان برای انتشار رساله‌ عملیه و نشر فتاوا ایشان اصرار می‌ورزیدند و حتی زمینه را برای ارجاع مردم آذربایجان و زنجان آماده می‌کردند. اما ایشان زیر بار نرفت و فرمود: من مدیریت و توانایی اداره حوزه را ندارم. با نپذیرفتن مرجعیت از سوی ایشان - و هم آیت‌الله شیخ حسین حلی - زمینه برای مرجعیت عام و گسترده آیت‌الله خوبی آماده شد».

### وصال حق

آیت‌الله میرزا محمدباقر زنجانی، پس از عمری تلاش و کوشش در راستای اعلائی کلمه حق و احیای علوم اهل بیت (ع)، در صبح روز دوشنبه ۲۰ ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ هـ.ق، پس از ادای فریضة صبح و خواندن تعقیبات، ادعیه و اذکار، به استراحت پرداخت. اهل خانه که می‌بینند ایشان تا نزدیکیهای ظهر بیدار نشده است، به خیال آن که وی را بیدار نمایند، به اتاق ایشان می‌روند. اما می‌بینند که میرزا در خواب راحتی، به راحت ابدی فرو رفته است.

خبر فوت ایشان، موجی از غم و اندوه در حوزه علمیه نجف پدید آورد. گروه بسیاری از طلاب و فضلا با ۱۶ ماشین، جنازه مبارکش را به کربلا بردند، در نهر علقمه غسل دادند، و با تشییع مفصلی در کربلا و تجدید زیارت حرمین شریفین امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل العباس (ع)، به نجف مراجعت کردند. فردای آن روز، ۲۱ ماه رمضان و روز شهادت حضرت امیرمؤمنان علی (ع)، با تشییع باشکوه و پس از نماز آیت‌الله العظمی خوبی (ره)، پیکر پاکش در مقبره شیخ الشریعه اصفهانی و آیت‌الله حاج آقا حسین قمی، و در کنار قبر مطهر آنان، به خاک سپرده شد.

گفتنی است که روز وفات ایشان، روز چهلم درگذشت آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی بود. ۱۶ روز بعد هم، فقیه محقق آیت‌الله شیخ حسین حلی به رحمت خدا پیوست. بدین‌سان، در عرض کمتر از دو ماه، سه نفر از بزرگان شاگردان میرزای نائینی، دعوت حق را لبیک گفتند [نجومی، کیمیای هستی، ص ۶۴۲؛ فتاوی، المنتخب، ۶۷؛ امینی، معجم رجال‌الفکر فی‌النجف، ج ۲، ۶۴۲؛ تهرانی، نقباءالبشر، ج ۱، ۲۲۶؛ شریف‌رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۵، ۲۳۴].

### تورفتی و خیالت ماند در دل

چنان کز کاروان آتش به منزل

### منابع:

۱. امینی، محمد هادی، معجم رجال‌الفکر و الادب فی‌النجف خلال الف عام
۲. تهرانی، آقا بزرگ، نقباءالبشر فی‌القرن الرابع عشر
۳. شریف‌رازی، محمد، گنجینه دانشمندان
۴. فتاوی، کاظم عبود، المنتخب من اعلام‌الفکر و الادب، چاپ بیروت
۵. نجومی، سیدمرتضی، کیمیای هستی، تهران، نشر سبا، ۱۳۷۹